

افراط‌گرایی نوسلفی در جهان اسلام: آثار و روش‌های مواجهه با آن

عبدالمجید سیفی*

عبدالرضا سیفی**

چکیده

شکل‌گیری گونه‌های جدید یا احیای الگوهای پیشین افراط‌گرایی در درون جامعه اسلامی همواره یکی از مهم‌ترین عوامل در مهار جنبش‌های بیداری‌جویانه در سطح جهان اسلام بوده است. تاریخ جهان اسلام به‌تناوب این الگوها را به‌خود دیده است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی به‌منزله «پاد» عمل کرده‌اند. خیزش‌های نوین منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، که از آخرین روزهای سال ۲۰۱۱ و تحت عنوان «بیداری اسلامی» آغاز شد، سبب شد تا گونه افراط‌گرایی سلفی خود را به‌صورت گونه نوین افراط‌گرایی نوسلفی بازتولید کند. گسترش فعالیت این نحله جدید، تأثیرات قابل‌توجهی در جهان اسلام در هر دو حوزه نظری و عملی داشته است. این آثار عمدتاً معطوف به ایجادکردن شکاف‌های جدید و جدی بین دولت‌های اسلامی، گسترش پدیده اسلام‌هراسی در مقیاس وسیع، و به‌حاشیه‌راندن مسائل اصلی جهان اسلام بوده است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، با تحلیل ابعاد گوناگون افراط‌گرایی نوسلفی و آثار گسترش این رویکرد افراط‌گرایانه بر جهان اسلام، روش‌های مواجهه با این گونه افراط‌گرایی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: افراط‌گرایی، نوسلفی‌گری، جهان اسلام، بیداری اسلامی، اسلام‌هراسی.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، Seifi2002@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، Seify_a@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۵

۱. مقدمه

جهان اسلام در قرونی که از حیات آن می‌گذرد، با چالش‌های درونی و بیرونی بسیاری روبه‌رو شده است. این چالش‌ها باعث شد موضوع احیای اسلام همواره جایگاه مهمی در اندیشه متفکران مسلمان داشته باشد. با تشدید و تعمیق تهاجم غرب استعمارگر به گستره تمدنی جهان اسلام در قرن نوزدهم، بیداری اسلامی وارد مرحله نوینی شد که با گذشته تفاوت بنیادینی داشته است. یکی از چالش‌های درونی جهان اسلام که با موضوع بیداری اسلامی پیوند خورده، گسترش افراط‌گرایی در قالب مهم‌ترین تجلی آن یعنی سلفی‌گری (از سلفی‌گری سنتی گرفته تا سلفی‌گری جدید) است. اگرچه سلفی‌گری ریشه‌ای طولانی در تاریخ اسلام دارد، اما با پیوند این جریان با عوامل خارجی در قرن نوزدهم جغرافیای فکری و سیاسی نظام‌های اسلامی به شدت دچار قبض و بسط شده است.

این قبض و بسط خود را در قالب طیفی از رویکردهای گوناگون سلفی‌گری نشان داده است. در یک سوی این طیف، گونه‌های سلفی‌گری با افراط‌گرایی حداقلی نظیر سلفیه اصلاحی و در سوی دیگر این طیف، نوسلفی‌گری با سطح افراط‌گرایی حداکثر وجود دارد. این در حالی است که تمامی این رویکردها در سیر تطور گفتمان سلفی‌گری در طول تاریخ اسلام (به‌ویژه در سه قرن اخیر) خود را بازنمایی کرده‌اند. گرچه پیوند سلفیه اصلاحی با برخی تحولات جدید و نظریه‌های سیاسی مدرن باعث تعدیل این شکل سلفیه شد، اما از اواخر قرن بیستم شاهد گذار به گونه‌ای جدید از سلفی‌گری با شاخص‌های حداکثری افراط‌گرایی هستیم. تحولات دو دهه آخر قرن بیستم در عرصه بین‌المللی و سال‌های طی شده از قرن بیست‌ویکم (از جمله حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و رویکرد تهاجمی ایالات متحده در قبال برخی کشورهای اسلامی) زمینه لازم را برای تقویت این شکل افراط‌گرایی در جهان اسلام فراهم کرد. گسترش این شکل از افراط‌گرایی نوین در قالب نوسلفی‌گری آثاری جدی بر جهان اسلام در سطح کلی و بر روابط موجود بین دولت‌های اسلامی داشته است. بررسی آثار ناشی از گسترش افراط‌گرایی نوسلفی بر جهان اسلام و همچنین راه‌کارهای برون‌رفت از این چالش‌های پدیدار شده ناشی از گسترش سلفی‌گری (در ساحت فکری و ساحت عملی) به یکی از موضوع‌های مهم مدنظر پژوهشگران تبدیل شده است. هدف از نگارش این مقاله آن است که با استفاده از روشی توصیفی و تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که گسترش افراط‌گرایی نوسلفی چه آثاری بر جهان اسلام داشته و چه راه‌کارهایی برای مواجهه با این شکل افراط‌گرایی وجود دارد؟ در این پژوهش، پس از بررسی مختصر ساختارهای فکری افراط‌گرایی

نوسلفی، تأثیرات گسترش این شکل افراط‌گرایی در جهان اسلام در حوزه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز راه‌کارهای گوناگونی برای مواجهه با این‌گونه افراط‌گرایی ارائه شده است.

۲. گذار به سلفی‌گری جدید به‌منزله تجلی افراط‌گرایی

آشنایی مسلمانان با غرب و به‌تبع آن ورود حجم انبوهی از مفاهیم غربی به ادبیات سیاسی مسلمانان، آنان را با نوع جدیدی از نگرش به جهان مواجه کرد و مشکلاتی را نمایان کرد که حکایت از ناهم‌خوانی جهان سنت با اقتضائات دوره جدید داشت. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که ورود مفاهیم و الگوهای جدید به جوامع دینی ایجاد کرد مناسبات مفاهیم نوپدید با دین بود. به‌طور طبیعی، مفاهیمی که در بستر متفاوتی شکل گرفته بودند به‌ناگزیر در فضای جدیدی که به‌کار گرفته شدند ناسازگاری را در پی داشتند، به‌ویژه که این مفاهیم و الگوها از بستری فارغ از دین به فضایی سرشار از دغدغه‌های دینی وارد شدند. از این‌رو، برای عبور از این ناسازگاری‌ها، اندیشه‌ها، و جریان‌های متنوعی پدید آمد که «سلفی‌گری» در این بین، جریان مهمی محسوب می‌شود (فلاح ۱۳۹۳: ۳۰۰). شکل‌گیری گفتمان سلفی‌گری، که برخی آن را گونه‌ای از افراط‌گرایی نوین می‌دانند (Skeikh, 2003: 157)، از مهم‌ترین رویدادهای فکری در تاریخ اسلام محسوب می‌شود.

ابن تیمیه نخستین فردی بود که به‌شکلی روش‌مند سلفی‌گری را بنیان نهاد. او در دوران حکومت مملوکیان در مصر و شام زندگی می‌کرد. در آن دوره، جهان اسلام شاهد رویدادهای دردناکی بود؛ زیرا صلیبی‌ها بر برخی از شهرهای شام سلطه پیدا کرده بودند و برخی دیگر از مناطق اسلامی مورد یورش تاتارها قرار گرفته بودند. رکود اقتصادی، کشمکش‌های نژادی و مذهبی، و اشاعه فرق متصوفه آمیخته با خرافات و توهمات در آن دوران حاکمیت داشت. ابن تیمیه بر آن شد تا به شیوه سلف صالح، دارالاسلام را یک‌پارچه کند (اسماعیل، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴). یکی از مهم‌ترین تأثیرات فکری ابن تیمیه، که بعدها در گسترش رویکردهای گوناگون سلفی‌گری و به‌ویژه افراط‌گرایی نوسلفی تأثیر به‌سزایی داشت، بسط فوق‌العاده مفهوم «تکفیر» بود. ابن تیمیه به‌صراحت اعلام کرد که اگر کسی حاجتش را هم‌چون شفا دادن مریض از کسی درخواست کند که قدرت انجام‌دادن آن فقط برای خداوند تعالی باشد، این شرک اکبر است و باید توبه کند وگرنه سزاوار کشته‌شدن است. با این رویکرد، او توسل به اولیای الهی و اموات را جایز نمی‌داند و آن را کفر به‌شمار

می‌آورد. هم‌چنین، زیارت قبور، قربانی، نذر، و طلب از غیر را جزو اسباب کفر قرار داده و از این‌رو، بسیاری از مسلمانان را از دایره دین خارج کرد (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۱).

عبدالوهاب پس از ابن تیمیه نقش مهمی در بسط دایره تکفیر داشت و می‌توان او را مهم‌ترین چهره سلفی‌گری سنتی دانست. «وهابیت» اصطلاحی است که از این دوره عمدتاً از طرف مخالفان این جنبش به بخش عمده جریان سلفی‌گری اطلاق شد و نشان‌دهنده جایگاه مهم محمدبن عبدالوهاب در گسترش جریان سلفی‌گری در این دوره است. وهابیت پس از این تاریخ به شکل جدی با سلفی‌گری ممزوج شده است. این سلفی‌گری سنتی گرچه در مقطع زمانی خاص از سوی گونه‌ای از سلفیه با نام سلفیه اصلاحی تا حدی تعدیل شد، اما در دوران جدید خود را در قالب رویکرد افراط‌گرایانه نوسلفی بازتولید کرده است (Mohammad Nia and Seifi, 2015: 94).

نوسلفی‌گری جریانی است که بر مبنای مؤلفه‌های سلفی‌گری و تفاسیر جدید از برخی اصول و مؤلفه‌های آن بازتولید شده است. این جریان جدید از نظر زمانی پس از شکست دولت طالبان در افغانستان و دقیقاً در بطن جنبش بیداری اسلامی بازتولید شده و براساس شرایط جدید، فعالیت خود را گسترش داده است. نوسلفی‌گری با وجود تشابهات بسیار زیاد با سلفیه سنتی، اختلاف متعددی با آن دارد. اگرچه از حیث شناخت‌شناسی و روش‌شناسی تفاوت چندانی بین سلفی‌های قدیم و جدید وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که سلفیه جدید بیش‌تر به رادیکالیسم تمایل یافته یا حداقل به اعتبار استعداد درونی خود، چنین تمایلاتی را دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از اقدامات افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیز امروزه با نام سلفیه جدید شناخته شده است.

مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی نوسلفی‌گرایی «نقل‌گرایی»، یعنی ترجیح نقل بر عقل است. براساس این اصل معرفت‌شناسی، مراجعه مستقیم به نصوص دینی و سنت (آن‌هم با معیار فهم سلف) مهم‌ترین راه‌کار سلفی‌ها برای دستیابی به حقیقت دینی است. به نظر آن‌ها، کاربرد عقل در فهم و استنباط احکام الهی موضوعیت ندارد و نقل در حیات انسانی کفایت می‌کند. در نزد افراط‌گرایی نوسلفی، نقل‌گرایی آن‌چنان مهم است که میزان تدین و خلوص ایمان افراد با معیار نقل‌گرایی سنجیده می‌شود. به گمان آن‌ها، عقل در شئون دینی صلاحیت ندارد (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

به عقیده افراط‌گرایی نوسلفی، عقل در معرض خطا و درک اشتباه بسیار قرار دارد و نخستین فردی که قیاس فاسد را به کار برد و از آن استفاده کرد ابلیس بود. ابلیس تمامی شبهات را در ذهن عقل‌گرایان انداخت و آنان متأثر از وسوسه‌های شیطانی بدعت‌های

بسیاری در اسلام ایجاد کردند. بنابراین، در صورت تعارض عقل و نقل باید عقل را متهم کرد و مدرکات آن را متشابه پنداشت و نصوص شرعی را محکم قرار داد و گرنه همکار و همیار ابلیس به شمار خواهد رفت. آنان قصد دارند اثبات کنند که عقل خطاپیشه است و پروژه «عقل ستیزی» را کلید می‌زنند (سعادت، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

هرچه بر عقل‌گرایی در حوزه معرفت دینی اضافه شود، از افراط‌گرایی نوسلفی فاصله گرفته می‌شود. در عمل، فهم سلف در مقایسه با خود قرآن برتری یافته است؛ زیرا عملاً این بزرگان سلفی‌اند که به حقیقت مورد نظر آن‌ها دسترسی دارند. یک فرد مؤمن عادی در تفکر در خارج از محدوده تعیین‌شده آن‌ها منع می‌شود چه رسد به این‌که به او اجازه شرکت در بحث آزاد با دیگران یا تفکر در امور مذهبی و موردسؤال‌قرار دادن قدرت و حاکمیت تشکیلات دینی داده شود. به‌گفته شیخ ربیع هادی، یکی از علمای نوسلفی، سؤال کردن از اساس ممنوع است و جز در موارد ضروری جایز نیست (میجر، ۱۳۹۰: ۵۳).

این اصل باعث شد تا در سلفی‌گری روش نقلی ظاهر‌گرایی نوسلفی‌گری با علوم عقلی اعم از فلسفه و کلام و نیز با عرفان نظری و عملی مخالف باشد. مخالفت با روش مخالفت با علم را در پی دارد و مخالفت با علم مخالفت با عالمان آن علم را باعث می‌شود. بر این اساس، سلفی‌ها پیروان روش‌های دیگر مانند فیلسوفان، متکلمان، صوفیان، و عرفا را بدعت‌گذار معرفی می‌کنند. برای نمونه، شکری مصطفی از علم به «فتنه» تعبیر می‌کند. شکری مصطفی تفسیر سوره علق را، که نخستین بار بر پیامبر نازل شد، ناظر و بیانگر سیر شکل‌گیری این فتنه می‌داند. از دیدگاه او، خداوند در این سوره با نام خویش بندگان را به یادگیری آن چه به عبادتش منجر شود فرامی‌خواند، اما بندگان به واسطه فتنه علم از عبادت و پیمودن مسیر حق منحرف شدند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ إِنَّ رَأْسَ الْإِنْسَانِ لَكَنَّاظِرٌ». او تصریح می‌کند علمی که خداوند برای بشر قرار داد تا طغیان نکند و دانشی که پیامبر بر هر مسلمانی واجب کرد همانا دانش آخرت است و مقصودش عبادت پروردگار است (فتوحی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

افراط‌گرایی نوسلفی عمدتاً با منطق نیز مخالفت می‌کند. آن‌ها در این حوزه توجه بسیاری به تفکرات ابن تیمیه دارند. ابن تیمیه رساله الرد علی المنطقیین را نوشت و نقدهای بسیاری را به قواعد و اصول منطق وارد کرد تا نشان دهد منطق راهی به سوی حقیقت نمی‌برد. یکی از نظرهای او درباره منطق این است که ارسطو منطق را وضع کرده است. پس منطق نمی‌تواند حقیقت باشد؛ زیرا، حقیقت منوط به وضع کسی نیست، اما بیش‌تر اشکالات او بر منطق تا حد بسیاری تکرار اشکال قدماست: اشکالات وارد بر حد و تعریف، اشکال

مربوط به شناخت پیشینی از حد و تعریف، و مانند آن. هم‌چنین، نقد به نسبی بودن بداهت در افراد و نقد به تقسیم تصور به بدیهی و نظری، نقد قیاس منطقی با این بیان که منطقیان قیاس را علم از کلی به جزئی می‌دانند و واقعیت عکس این است یعنی شناخت جزئی مقدم بر کلیات است (هوشنگی و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۱).

این نص‌گرایی صرف سبب می‌شود تا اجرای نصوص به هر طریق ممکن اهمیت یابد و نتیجه عملی آن خشونت‌گرایی با استناد به جهاد باشد که به‌ویژه در اندیشه‌های عبدالسلام فرج و عبدالله عزام تئوریزه شده است.

۳. آثار گسترش افراط‌گرایی نوسلفی بر جهان اسلام

گسترش شکل افراط‌گرایی سلفیه در چند سال اخیر تأثیرات قابل توجهی در جهان اسلام داشته است. نخستین پیامد مهم گسترش افراط‌گرایی نوسلفی تفوق دشمن‌انگاری داخلی در جهان اسلام بر تمرکز بر دشمنان بیرونی است. چنین وضعیتی از خواسته‌ها و اهداف اصلی غرب علیه جهان اسلام است. جهان غرب از دوره پسااستعمار طرح‌های گوناگونی برای تجزیه مجدد اسلام و نهادینه‌شدن بحران بین مسلمان‌ها اجرا کرده است، اما این طرح‌ها هزینه‌های بسیاری برای آن‌ها داشته است و در برخی موارد، نتیجه آن معکوس بوده و به اتحاد مسلمان‌ها منجر شده است. گسترش افراط‌گرایی نوسلفی فرصت بی‌نظیری برای غرب ایجاد کرده است. در چنین وضعیتی، غرب بدون پرداخت هزینه، بیش‌ترین سود را از درگیری درون‌دینی مسلمان‌ها می‌برد. در جایی که منابع عظیم جهان اسلام می‌تواند برای حل مشکلات عدیده مسلمانان و نیز کانون اختلاف آن‌ها با جهان غرب مانند صهیونیسم صرف شود، این منابع صرف نبرد با نیروهای درون‌دینی و مذاهب اسلامی می‌شود. درحالی‌که انرژی ره‌اشده از انقلاب اسلامی ایران می‌توانست تکلیف برخی از بحران‌های جهان اسلام را با دیگران حل کند. در مقطعی، جنگ تحمیلی این فرصت تاریخی را از جهان اسلام گرفت و طی سال‌های اخیر نیز که بیداری اسلامی به‌مثابه مولود انقلاب اسلامی می‌توانست بسیاری از معادلات ایران و غرب را دگرگون کند، نوسلفی افراط‌گرا این فرصت بی‌نظیر را از جهان اسلام گرفته است. اگرچه انقلاب اسلامی مبتنی بر مذهب شیعه است، اما به‌دنبال احیای جهان اسلام و مقابله با دشمنان جهان اسلام بوده است. امام خمینی (ره) در این باره تصریح کردند:

ما سال‌های طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم هم‌قدم و هم‌کلام و مجتمع کنیم برای این‌که تمام گرفتاری‌هایی که مسلمین دارند و به‌دست قدرت‌های اجنبی،

آنهایی که می‌خواهند از بلاد مسلمین بهره‌گیری کنند، آنهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهایی که می‌خواهند دولت‌های اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند این‌ها کوشش کرده‌اند خودشان و عمالشان به این‌که تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند... مسلمین باید ید واحد بر ماسوایشان باشند و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۴).

گسترش فعالیت افراط‌گرایان نوسلفی هم‌چنین سبب ایجاد قطبیت شدید در جهان اسلام شده که این مسئله نیز آثار مخربی برای جهان اسلام داشته است. نوسلفی‌ها عمدتاً با برجسته‌سازی تفاوت‌ها بین فرق دیگر جامعه اسلامی نوعی قطب‌بندی جدید در این جامعه را شکل داده‌اند. گرچه بین مذاهب اسلامی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما افراط‌گرایی نوسلفی تلاش دارد با برجسته‌نمایی مذاهب دیگر (به‌ویژه تشیع) قطب‌بندی بر ضد مخالفان خود ایجاد کند. این در حالی است که بخش عمده جامعه اهل تسنن رابطه تاریخی و محبت‌آمیزی با شیعیان دارند و با تأکید بر مشترکات بین فرق اسلامی، در پی تقریب تمامی مذاهب اسلامی بوده‌اند.

اثر مهم دیگر گسترش افراط‌گرایی نوسلفی که تأثیر به‌سزایی در جهان اسلام و مسلمانان در اقصی نقاط جهان دارد رشد پدیده اسلام‌هراسی است. انجام‌دادن اقدامات خشونت‌بار و شدید عمده‌ترین ابزار گسترش اسلام‌هراسی سلبی است که نقشی بنیادین در تصویرسازی منفی و بازنمایی منفی از تحولات جوامع اسلامی در دنیای خارج دارد. گروه‌های افراط‌گرای نوسلفی با تکیه بر مفهوم جاهلیت و برای مبارزه با آن، دست به اقدامات خشونت‌باری زدند که به‌جای پیش‌برد و رسوخ اسلام در قلب مردم جهان باعث ترس و هراس جوامع بشری خصوصاً جوامع غربی شدند که با اسلام حقیقی آشنایی چندانی ندارند. رسانه‌ها، احزاب سیاسی، و برخی از اندیشمندان سیاسی غرب با تکیه بر خشونت منشعب‌شده از مفاهیمی هم‌چون جاهلیت، نقشی اساسی در گسترش اسلام‌هراسی و درنهایت اسلام‌ستیزی در این قاره داشته‌اند. بنابراین، دیده می‌شود جوئی نامناسب برای اسلام و برخی از ساکنان مسلمان در جوامع اروپایی به‌وجود آمده است.

هم‌چنین، این فضا باعث دامن‌زدن به پروژه اسلامیزه‌شدن اروپا و اخطار درباره پیامدهای آن شده است. یکی از سناریوهایی که با توجه به حضور روزافزون مسلمانان در اروپا برای آینده آن ارائه شده است «یورابیا» (URABIA) است. یورابیا از جمله واژه‌های سیاسی جدید است که درباره حضور مسلمانان در اروپا ابداع شده است. یورابیا، که متشکل از دو واژه «یوروپ» (اروپا) و «عربیا» (عربی) است، بر این مفروض اشاره دارد که در آینده،

اروپا با گسترش بیش از پیش جمعیت مسلمانان، عمدتاً عرب، متحد دنیای عرب یا حتی زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد. بر این اساس، مسلمانان اروپا با توجه به تداوم مهاجرت و میزان بالای زاد و ولد، طی چند دهه تبدیل به اکثریت خواهند شد. این واژه را بات یعور، نویسنده یهودی، در کتابی که در ۲۰۰۵ منتشر کرد مطرح کرد و افرادی مانند اورینا فالاجی، رابرت اسپنسر، و ... به‌طور گسترده به آن استناد کرده‌اند (پوراسماعیلی، ۱۳۹۰: ۲).

موضوع دیگری که بُعد اسلام‌هراسانه فعالیت گروه‌های افراط‌گرای نوسلفی را تقویت کرده و آسیبی جدی به جهان اسلام وارد می‌کند شعار احیای خلافت اسلامی است. بر این اساس، بیداری اسلامی از نظر نوسلفی‌گری ظرفیت احیای مجدد خلافت را دارد. شعار اصلی نوسلفی‌ها برای تأثیرگذاری در بین اهل سنت از دو رکن تشکیل شده است: «خلافت مهم‌ترین رکن سیاسی است و در دوران حاضر باید به‌دنبال احیای این نهاد مهم باشیم و خلافت اسلامی با همکاری شیعیان سرنگون شده و از این رو باید در مقابل آن‌ها ایستاد». پوشیدن لباس مشکی و پرچم مشکی برای احیای فرهنگ عباسیان است. به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین خطرات افراط‌گرایی نوسلفی جدید برای جهان اسلام تلاش برای گسترش دادن ایده خلافت سستی در بین اهل سنت است که سال‌ها آرزوی احیای آن را داشته‌اند و سعادت دنیا و آخرت خود را در احیای آن می‌بینند. به همین علت، از نگاه نوسلفیان تحولات و خیزش‌های اخیر در جهان اسلام زمینه تشکیل و احیای مجدد خلافت اسلامی است. داعش بر مبنای همین تفکر ابوبکر البغدادی را خلیفه مسلمانان معرفی کرد و بر همین اساس، عنوان بغدادی را به او داد که یادآور خلافت عباسیان در بغداد باشد. چنین رویکردی در آفریقا در کشورهایی مانند لیبی، تونس، و مصر نیز دنبال می‌شود. مثلاً عبدالرزاق اجحا (شیخ نوسلفی مراکشی) به جوانان مراکش، تونس، سودان، موریتانی، و کسانی که خواهان پیوستن به داعش‌اند توصیه کرد که اگر نمی‌توانند به‌علت بُعد مسافت به سرزمین شام سفر کنند، به نوسلفیان در لیبی بپیوندند؛ زیرا این‌جا نیز سرزمین خلافت است (ستوده و علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

هم‌چنین، گسترش فعالیت گروه‌های افراط‌گرای نوسلفی در مناطق گوناگون جهان اسلام به‌شکل قابل توجهی سطح امنیت انسانی در این کشورها را به‌خطر انداخته و باعث نزول جدی این شاخص در بین کشورهای اسلامی شده است. این تنزل رتبه جایگاه کشورهای اسلامی در حوزه امنیت انسانی درباره کشورهای نظیر سوریه، لیبی، و عراق، که به‌شکل جدی‌تری درگیر حضور افراط‌گرایان نوسلفی در سرزمین خودند، بسیار حادتر است. به‌نظر می‌رسد حضور این گروه‌ها دولت‌های اسلامی را درگیر چرخه ناکام‌سازی و تضعیف سطح امنیت انسانی کرده‌اند. گسترش فعالیت گروه‌های نوسلفی باعث تبدیل شدن

دولت‌های اسلامی به دولت‌های ناکام شده و این مسئله سطوح امنیت انسانی در این کشورها را کاهش می‌دهد و در همین حال و به شکل متقابل تضعیف سطوح امنیت انسانی روند ناکام‌سازی این دولت‌ها را تسریع بخشیده است. از سوی دیگر، تلاش افراط‌گرایان نوسلفی برای ایجادکردن خلافت اسلامی سبب تلاش این گروه‌ها برای سرنگونی دولت‌های اسلامی مستقر شده تا زمینه لازم برای تشکیل خلافت ادعایی خود را مهیا کنند. این اقدامات افراط‌گرایان نوسلفی سبب تضعیف دولت‌های اسلامی شد و حتی باعث شد تا برخی از این دولت‌ها کنترل خود بر برخی از سرزمین‌های خود را از دست بدهند که نمونه بارز آن را می‌توان در سوریه و لیبی مشاهده کرد. هم‌چنین، این اقدامات سبب ناتوان‌سازی دولت‌های اسلامی در تأمین امنیت شهروندان مسلمان خود شده است.

هم‌چنین، گسترش افراط‌گرایی نوسلفی سبب ایجاد چالش مهم دیگری برای جهان اسلام یعنی مخدوش‌سازی چهره جهان اسلام در بین جهانیان می‌شود. نتیجه طبیعی ترسیم مخدوش جهان اسلام نزد جهانیان و ترسیم چهره اهریمنی از این دین رحمانی موجب می‌شود که مبارزه با تروریست‌های اسلامی در تمامی سطوح در دست‌ورکار غرب قرار گیرد. به‌گونه‌ای که برای نمونه طی سال‌های اخیر، سوریه یکی از موضوع‌های ثابت در دست‌ورکار جامعه بین‌المللی بوده است. بررسی قطع‌نامه‌هایی که طی سه سال اخیر در سازمان ملل تصویب شد نشان‌دهنده آن است که بخش عمده این قطع‌نامه‌ها به حوزه جغرافیایی و اندیشه جهان اسلام مربوط می‌شود. این قطع‌نامه‌ها از لیبی تا سوریه و افریقا را دربرمی‌گیرند. درحالی‌که اثبات‌نشدن ادعاهای امریکا درباره ساخت و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی به دست دولت عراق موجب شده بود جنگ‌افروزی دولت امریکا برای کشورهای جهان اثبات شود. افراط‌گرایی نوسلفی موجب شد که مجدداً جهان اسلام در دست‌ورکار جامعه بین‌الملل قرار گیرد. بررسی برنامه رسانه‌های گوناگون دنیا و تحلیل محتوای آن‌ها نیز مؤید این دیدگاه است که افراط‌گرایی نوسلفی‌ها موجب شده جهان اسلام به یکی از مهم‌ترین سوژه‌های خبری و رسانه‌ای جهان تبدیل شود. یکی از علل اصلی فعالیت شدید نوسلفی‌ها در اروپا مسلمانان ساکن کشورهای اروپایی‌اند که به‌علت بحران هویتی که در جوامع اروپایی به آن مبتلا شده‌اند، هویت مقاومت آن‌ها فعال شده است. متأسفانه این هویت مقاومت مسلمانان با گسترش نئوسلفیسم مصادف شد و از این‌رو، آن‌ها با عنوان نوسلفی نظامی دسته‌بندی و سرکوب می‌شوند.

هم‌چنین، افراط‌گرایی نوسلفی سبب شده تا برخی از مهم‌ترین موضوع‌های جهان اسلام، به‌ویژه موضوع مهم فلسطین تاحدی در حاشیه قرار گیرد. فلسطین همواره مهم‌ترین

مسئله جهان اسلام پس از جنگ جهانی دوم بود که با وجود فرازونشیب‌های بسیار همواره مدنظر مسلمانان بوده است. با وجود این، درگیرسازی درونی در جهان اسلام تحت‌تأثیر گسترش افراط‌گرایی نوسلفی باعث به‌حاشیه‌راندن این مسئله در برخی از مقاطع زمانی و ایجاد اولویت برای مقابله با این گروه‌ها در کشورهای گوناگون اسلامی شده است.

۴. راه‌کارهای مواجهه با گسترش افراط‌گرایی نوسلفی در جهان اسلام

جهان اسلام در طول تاریخ خود با چالش‌های مهمی مواجه بوده است. به‌ویژه در زمان گسترش جنبش‌های احیاگرایانه در جهان اسلام سعی در مقابله با این بیداری داشته‌اند. بیداری اسلامی گونه‌نوین این احیاگرایی است. بیداری اسلامی مانند دیگر پدیده‌های بشری با اشکال گوناگون چالش در دوران خود مواجه بوده است. در امواج گذشته به فراخور شرایط زمانی، نقش قدرت‌های بین‌المللی و اندیشه‌های مسلط متفاوت بود که موج کنونی بیداری اسلامی نیز از آن در امان نبوده است. این موج جدید، که با تحولات سریع و دورازانتظار در تونس آغاز شد، موجب شکل‌گیری سلسله‌ای از تغییرات شگرف در کشورهای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا شد. این موج از بیداری اسلامی که ریشه‌ها و علل گوناگونی نظیر نظام‌های سرکوب‌گر و اقتدارگرا، سرکوب هویت دینی مردمان کشورهای عربی، و ایجاد حقارت و شرم از سیاست خارجی کشورهای عربی داشتند همه در عصر جهانی شدن و پیدایش شبکه‌های جدید اجتماعی، سونامی‌ای از اعتراض را موجب شدند. پس از آن که موج دوم بیداری اسلامی به فاصله‌ای بیش از یک‌ونیم قرن از موج اول آغاز شد، موج سوم نیز سه‌دهه‌ونیم پس از موج دوم تکوین یافت. اگر محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی نبود، چه‌بسا بازتاب گسترده انقلاب اسلامی در جهان عرب، که تمایل طبیعی آن‌ها با ارزش‌های اسلامی بود، زودتر این موج را محقق می‌کرد. با وجود این، و آن‌چنان‌که اشاره شد موج سوم بیداری اسلامی نیز مانند موج‌های پیشین با تحولات و چالش‌های درونی و بیرونی متعددی مواجه شد که تأثیر بسیار مهمی بر روند آن بر جای گذاشته و خواهد گذاشت. اما به‌سبب آن‌که چالش‌های این موج نه‌تنها جهان اسلام، بلکه کل جامعه بشری و بسیاری از معادلات و روندهای بین‌المللی را تحت‌تأثیر قرار داده است، شناخت و بررسی چالش‌های این موج به‌شکل قابل‌توجهی مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از چالش‌های اصلی‌ای که فراروی بیداری اسلامی در جهان اسلام ایجاد شده است، گسترش شکل جدید افراط‌گرایی نوسلفی است. سلفی‌گری جریان اصیل اسلامی نیست، اما در حیات خود بارها تحت‌تأثیر عوامل تأثیرگذار خارج از جهان اسلام و هم‌چنین

پویش‌های درونی جهان اسلام خود را به انحای گوناگون بازتولید کرده است. با وجود این، نوع جدید سلفیه، که به‌شکلی ارجاع به سلفی پیش از سلفیه اصلاحی و حتی بسیار رادیکال‌تر از آن است، در دوران جدید به‌منزله چالش جدیدی فراروی جنبش بیداری اسلامی، به‌شکل قابل‌توجهی نظر پژوهش‌گران حوزه جهان اسلام را در هر دو حوزه درونی و بیرونی جهان اسلام به خود جلب کرده است. درحالی‌که، برخی با مخالفت با اصل بیداری اسلامی آن را موجد گسترش شکل جدید سلفیه یا همان سلفیه جهادی می‌دانند، به‌نظر می‌رسد که این نوع سلفی‌گری جریانی است که در موازات بیداری اسلامی و حتی در مقابل جریان بیداری شکل گرفته و اساساً با روح بیداری اسلامی ضدیت دارد. این نحلّه جدید سلفیه بزرگ‌ترین مبارزه قشری با مذاهب اسلامی در سرتاسر جهان را به‌راه انداخته که تأثیرات شدیدی در اصل مهم وحدت اسلامی داشته که مورد تأیید و حمایت عمده فرق اسلامی است و به‌شدت به شکل‌گیری یک بازنمایی نادرست و بنیادگرایانه از اسلام در سطح جهان کمک کرده است.

آنچه امروزه باید به شکل جدی مورد توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران جهان اسلام قرار گیرد راه‌کارهای برون‌رفت از وضعیت نابه‌سامان کنونی ایجادشده به‌واسطه گسترش افراط‌گرایی نوسلفی در جهان اسلام است. موضوعی که در ابتدا باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد یک‌سان‌انگاری نکردن افراط‌گرایی نوسلفی با کل جهان اهل تسنن است. درحقیقت، باید نوعی مرزبندی بین اهل تسنن و سلفی‌گری جدید در درون جامعه اهل تسنن و در خارج از آن صورت پذیرد. این نکته باید دائماً مورد تأکید قرار گیرد که افراط‌گرایی نوسلفی صرفاً یک برداشت انحرافی در درون اهل تسنن است و با روح تسنن تعارض دارد و در این بین علمای سنی نقش مهمی در ترویج و تبلیغ این مسئله دارند. درحقیقت، باید جهان تشیع در کنار اهل تسنن با یک‌دیگر با این شکل افراط‌گرایی مقابله کنند.

در بین شیعیان نیز باید افراط‌گرایی نوسلفی به‌مثابه فرقه‌ای انحرافی در نظر گرفته شود که با اصل مذهب اهل سنت در تعارض است که عمده اهل تسنن از آن خارج‌اند. پاسخ صریح و جمعی علما و فقهای شیعه و سنی به شبهات سلفی‌گری جدید درباره مسائلی نظیر کفر و جهاد نیز نقشی جدی در جلوگیری از گسترش این نحلّه دارد. هم‌چنین، می‌تواند عوارض ناشی از گسترش اسلام‌هراسی برگرفته از این جریان افراط‌گرا را تا حدی مهار کند.

راه‌کار مهم دیگر در مهار گسترش فکری و عملی افراط‌گرایی نوسلفی، تلاش بیشتر و جدی‌تر برای تقریب مذاهب اسلامی است. این حقیقت قابل چشم‌پوشی نیست که

اختلافات بین فرق اسلامی فضای مناسبی را برای گسترش جریان‌های اسلامی در درون جهان اسلام ایجاد کرده است. از این رو، یکی از اصلی‌ترین راه‌کارهای مقابله با افراط‌گرایی نوسلفی و جریان‌های تکفیری در دوران معاصر تلاش برای تقریب بیش‌تر مذاهب اسلامی است. در این باره، حل اختلافات بین مذاهب اسلامی از طرق علمی نقش مهمی ایفا می‌کند و مانع رادیکالیزه‌شدن اختلافات می‌شود و این مسئله فضا را برای گسترش جریان‌های افراط‌گرا مانند نوسلفی‌گری تنگ می‌کند.

حوزه دیگری از تلاش‌های تقریبی در سطح دولت‌های اسلامی باید صورت گیرد. با توجه به نقش انکارناپذیر دولت‌ها در دنیای معاصر در مقام کنشگران اصلی روابط بین‌المللی، تلاش برای تقریب باید به شکل جدی صورت گیرد. استفاده همه‌جانبه از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان هم‌کاری اسلامی و به‌طور کلی بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی در سطح دولت‌های اسلامی در این باره نقش مهمی در خنثی‌سازی تحرکات افراط‌گرایی نوسلفی و اقدامات وحدت‌زدایانه آن‌ها دارد. هم‌چنین، بهره‌گیری از اجتماعات مسلمانان و به‌ویژه کنگره عظیم حج به‌منزله عنصر مهم آگاهی‌بخشی از گسترش مخاطرات تکفیر می‌تواند در آگاه‌سازی توده مسلمانان نقش مهمی ایفا کند.

هم‌چنین نباید نقش مهم و اساسی رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های جدید، را در گسترش فعالیت‌های تقریبی و شناسایی مخاطرات نوسلفی‌گری نادیده گرفت. رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی از اصلی‌ترین ابزارهای گسترش تفکرات افراط‌گرایی نوسلفی و عضوگیری این گروه‌ها از اقصی نقاط جهان بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد استفاده از این ابزارها تا حد زیادی می‌تواند از آگاهی‌بخشی توده‌ها در جوامع اسلامی، به‌ویژه جوانان، جلوگیری کند که از اصلی‌ترین اهداف این گروه‌ها برای جذب در این گروه‌هاست.

یکی از الزامات مهم برای جلوگیری از گسترش نوسلفی‌گری ورود و تسریع فرایند روندهای دموکراتیک در کشورهای جهان اسلام است. ایجاد اصلاحات دموکراتیک در درون جوامع اسلامی نیز باعث تحقق سریع‌تر خواسته‌های مردم در جوامع اسلامی شده و با توجه به نیازهای سیاسی، دینی، و اقتصادی از رادیکال‌شدن آن‌ها جلوگیری می‌کند. به‌نظر می‌رسد با وجود موناشری‌ها در بسیاری از کشورهای اسلامی، نوسلفی‌گری به ابزاری برای نشان‌دادن نارضایتی بخشی از جمعیت این کشورها تبدیل شده است و اصلاحات دموکراتیک می‌تواند روند بروز اعتراضات را به مجاری و شیوه‌های مدنی بازگرداند.

تلاش برای ارائه تعریف واقعی از احکام اسلامی مانند جهاد و مصادیق واقعی آن نیز نقش مهمی در مقابله با سوءبرداشت از این احکام مقدس و سوءاستفاده از این احکام

از سوی گروه‌های تکفیری دارد. در این باره علما و اندیشمندان تمامی مذاهب اسلامی وظیفه خطیری در ارائه تعاریف صحیح و تبیین حدود و شیوه‌های اجرای این احکام مقدس دارند. این تبیین‌گری سبب می‌شود علاوه بر شناخت جهانیان از ماهیت واقعی احکام اسلامی، استفاده نادرست افراط‌گرایان نوسلفی از احکام اسلامی موجب ایراد خدشه به جهان اسلام نشود و تا حدی از گسترش پدیده اسلام‌هراسی در سطح جهان جلوگیری کند.

جهان تشیع نیز وظیفه‌ای مهم در این باره دارد. از آنجا که گروه‌های نوسلفی همواره تشیع را به منزله «دگر» اصلی خود معرفی کرده‌اند، سعی داشته‌اند با بزرگ‌نمایی اقدامات نادرست افراد اندکی در جهان تشیع، حوزه فعالیت و یارگیری خود را در بین اهل تسنن گسترش دهند. در این باره، تلاش برای مقابله با اقلیت غالی در تشیع نقش مهمی در برهم‌زدن نقشه گروه‌های افراط‌گرای نوسلفی دارد. علمای تشیع با تبیین صحیح احکام و اندیشه‌های شیعی نقش شایانی در این باره دارند.

در سطح درونی نیز وظیفه سنگینی برعهده متولیان سیاست‌گذاری خارجی و فرهنگی است. در سطح سیاست‌گذاری خارجی، وزارت امور خارجه باید با تلاش برای گسترش روابط با کشورهای اسلامی و همچنین ارتقای سطح همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، و اقتصادی عرصه را برای افراط‌گرایان نوسلفی در استفاده از فضای ناهماهنگی و اختلاف بین کشورهای اسلامی تنگ کند. در عرصه فرهنگی نیز سازمان‌های متولی نظیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی و به‌ویژه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نقشی کلیدی در مقابله فرهنگی با این پدیده و تبیین عناصر کلیدی نقش روابط فرهنگی در مقابله با این جریان دارند. رایزنان فرهنگی در کشورهای اسلامی باید رویکردهای شیعی را به شکل علمی و متقن به مردم و جامعه علمی کشور معرفی کنند. رایزنان فرهنگی در کشورهای غیراسلامی نیز باید با معرفی دقیق اسلام و شبه‌زدایی از مسائل مطرح‌شده از سوی افراط‌گرایان نوسلفی، راه را بر گسترش اسلام‌هراسی ببندند.

۵. نتیجه‌گیری

سقوط پی‌درپی رژیم‌های اقتدارگرای عربی پس از گسترش جریان بیداری اسلامی این امید را در بین مسلمانان ایجاد کرد که فضای جدیدی برای پی‌گیری تقریب جوامع و مذاهب اسلامی ایجاد شود. با وجود این، این امید دیری نپایید و با گسترش زبانه‌های نوع خاصی از افراط‌گرایی یعنی افراط‌گرایی نوسلفی پاد این جریان تولید شد. شکل‌گیری این شکل افراط‌گرایی به سوق دادن ظرفیت عظیم مقابله با دشمن بیرونی از سطح خارج جهان اسلام

به درون این جهان منجر شد و این مسئله هزینه‌های بسیار مالی و جانی برای مسلمانان و جهان اسلام داشته است. تعصبات جاهلی و حتی منافع برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب شد تا ظرفیت اساسی تبدیل‌بیداری اسلامی به یک فرصت برای ارتقای جایگاه جهان اسلام و کشورهای اسلامی عملاً به یک تهدید برای امنیت وجودی و انسانی این دولت‌ها تبدیل شود.

گسترش افراط‌گرایی نوسلفی سبب ایجاد آسیب‌های جدی برای جهان اسلام از جمله به‌حاشیه‌راندن مسائل اصلی جهان اسلام نظیر مسئله فلسطین، گسترش اسلام‌هراسی در سراسر جهان به‌ویژه در غرب، گسترش بدبینی به مسلمانان، اختلال در فرایند تقریب و وحدت در جهان اسلام، ایجاد زمینه برای در دستورکارقرارگرفتن جهان اسلام، و ایجاد آسیب جدی به سطح امنیت انسانی در بین ملل اسلامی شده است. از این رو، مواجهه با این شکل افراط‌گرایی و تلاش در خنثی‌سازی آن به یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام تبدیل شده است.

علاوه بر تلاش‌های موجود در سطح کشورهای اسلامی برای مقابله با این جریان و برداشت خطرناک، به‌نظر می‌رسد که در سطح درونی نیز باید رویکردهای فرهنگی گوناگونی برای مقابله با این جریان اجرایی شود. در این بین، نقش دستگاه‌های گوناگون فرهنگی، به‌ویژه سازمان فرهنگ اسلامی، بسیار پررنگ است.

کتاب‌نامه

- اسماعیل، محمود (۱۳۹۱). سلفی‌ها، ترجمه حسن خاکرند و حجت‌الله رودکی، تهران: الهدی.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور، ج ۱۳، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- پوراسماعیلی، نجمیه (۱۳۹۰). «ترس اروپا از اسلام و پیامدهای آن بر مسلمانان»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح <<http://peace-ipsc.org>>.
- ستوده، محمد و سیدمهدی علیزاده موسوی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیرات سلفی‌گری تکفیری در بیداری اسلامی»، فصل‌نامه علوم سیاسی، س ۱۷، ش ۶۵.
- سعادت، احمد (۱۳۹۳). «نقش عقل در فهم و استنباط گزاره‌ها و آموزه‌های دینی از منظر سلفی‌های تکفیری»، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۸، به‌کوشش مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت.
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ش ۴۷، ص ۹۵-۱۲۲.

فاطمی نژاد، مجید (۱۳۹۳). «تأثیر افکار ابن تیمیه در گسترش جنایات جریان‌های تکفیری»، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۶، به کوشش مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت.

فتحی، علی (۱۳۹۳). «روش‌شناسی جریان‌های تکفیری در کتاب و اهل سنت»، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۷، به کوشش مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت. فلاح، محمود (۱۳۹۳). «اسلام سیاسی و تمایز آن با سلفی‌گری در دوره معاصر: زمینه‌ها، فرصت‌ها، و چالش‌ها»، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۵، به کوشش مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت.

میجر، روث (۱۳۹۰). به سوی اسلام سیاسی، ترجمه مرضیه‌السادات مطهری، غلامرضا خواجه سروی، بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

هوشنگی، حسین و محمود سیفی (۱۳۹۰). بنیادگرایی سلفی: مبانی مشترک سلفی، بنیادگرایی و سلفی: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Mohammad Nia, Mahdi and Abdolmajid Seifi (2015). *The Ideational Nature of Iran– Saudi Interactions*, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 5.

Sheikh Naveed S. (2003). *The New Politics of Islam; Pan-Islamic Foreign Policy in a World of States*, Routledge: London.